

بدلیت و منشأ تشکیل آن در پاره‌ای از نقاط ایران

دکتر ابراهیم امین سبحانی - دکتر حسین معین عزیزی

گروه آموزشی زمین شناسی - دانشکده علوم - دانشگاه تربیت معلم

چکیده:

بدلیت به میزان یک کانی رسی از گروه مون موریونیت نظر به اهمیت صنعتی و اقتصادی مورد توجه زمین شناسان است. این مقاله تحقیقی پاره‌ای از مناطقی غنی از این کانی را معرفی می‌نماید. نتایج حاصل از تجزیه شیمیایی و دیاگرامهای مربوط به دیفرانکومتر اشعه ایکس میزان خلوص آنها را نشان می‌دهد. تشکیل بدلیت در مناطق مختلف ایران که از شرایط اقلیمی و زمین شناسی یکسانی برخوردار نیستند، حائز کمال اهمیت است.

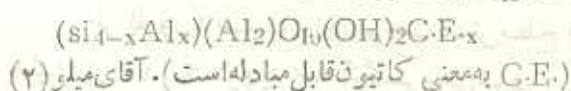
مقدمه:

کانی های رسی گروه مون موریونیت که در اصطلاح قدیمی تر اسمکیت نامیده می‌شوند از نظر ساختمانی شبیه میکاها هستند لکن ارتباط بین شبکه آنها ضعیف بوده از قدرت جذب مواد بیشتری برخوردارند. در اثر حرارات ضخامت شبکه آنها از ۱۴ به ۹/۵ آنگسترم کاهش یافته و با جذب آب و الکلیها تا ۲۰ آنگسترم بالا میرود. این گروه شامل دوسری کانیهای دی اوکتائدریک و نری اوکتائدریک می‌باشند. در گروه دی اوکتائدریک کانیهای مانند مون موریونیت، بدلیت و نورترونیت وجود دارد.

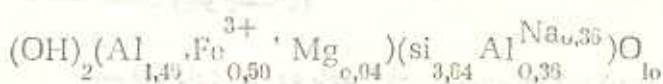
ساختمان شیمیایی آنها شبیه هم است جانشینی نسبی آلومینیوم بوسیله منیزیم و همچنین قرار گرفتن یونهای قابل مبادله سدیم و کلسیم در شبکه آنها، فرمولهای شیمیایی متنوعی را بوجود می‌آورد.

تحقیقات نشان میدهد گروه مون موریونیت حاصل از تجزیه میکاها، از آهن و منیزیم غنی هستند در صورتیکه اگر این کانیها از تجزیه فلدسپاتها حاصل شده باشند ابتدا آلومینیوم دار سپس منیزیم دار و آهن دار می‌شوند. در مثالهای این مقاله نکته فوق بروشنی توضیح داده شده است. فرمول عمومی شیمیایی بدلیت را هن - کایو (۱)

بصورت زیر پیشنهاد نموده اند:

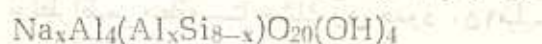


از بدلیت مثالی بشرح زیر دارد:



بدلیت ناشی از تجزیه آزمایشگاهی (تجربی) (۳)

دارای فرمول زیر است.



چون در رسهای مناطقی استنادی این مقاله بدلیت با

بارندگی سالیانه است. آمار هواشناسی ایستگاههای و خاش اختلاف شدیدی را بین دیماه (۱۰ درجه سانتی و مردادماه (۴۲°) نشان میدهد. اختلاف درجه حرارت روزگاهی به ۲۵ درجه سانتیگراد میرسد. معدل درجه سالیانه ۱۸ درجه است. در ارتفاعات عمل یخبندان صورت میگیرد.

تفتان آتشفشان جنوب شرق ایران با ارتفاع ۴۰۰۰ متر* از زمان پلیوس تا پلیستوسن فعال بوده است. امروزه ادامه فعالیت خود را با خروج فومرول و سولفات نشان میدهد. مواد آتشفشانی آن مساحتی در حدود یکومتر مربع را پوشانیده است (۶) این مواد از لایه داسیتی سرشار از پتاسیم (۷) و گدازه های آندزیتی (۸) اینگنبریت، آگلومرا و برشهای کلاستیک تشکیل یافته تناوب لاوها و آگلومراها به تفتان یک استروکتور استراتو (Strato-Volcan) داده است (۸).

دانه های آندزیت - داسیت تخریبی پای کوه و دشت اطراف با اندازه های درشت و ریز از فلدسپاتها و اکسید همراه با فلو کریستالهای پلاژیو کلازا از نوع آندزین، ساند هورنبلاند سبز، هیرستن، بیوتیت و کوارتز بوجود آمده در داخل آنها دانه های شیشه ای تجزیه نشده نیز یافت می شود (۹). نهشته های رسوبی که منطقه وسیعی از دامنه دشت های اطراف تفتان را پوشانیده است دارای مقدار قابل ملاحظه ای از کانیهای رسی می باشد در حالیکه شرایط مناسب برای آلتراسیون سنگها و ژنرسها مناسب نیست و سولفات ها و سولفات ها را از یکطرف فعالیت آبهای معدنی منطقه از طرف دیگر می تواند اصلی عمل آلتراسیون بشمار رود. در اینجا یونهای (Haloysite) و اسید را فراهم می آورند. بدیهی است که گازهای ولکانیک نیز مشابه این عمل را می تواند انجام دهند (۱۰) و (۱۱) و چنانچه

کانیهای رسی دیگر همراه می باشد لذا از نتیجه تجزیه شیمیائی برای تهیه فومرول شیمیائی آن نمی شد استفاده کرد. ظرفیت مبادله کاتیون در بدلیت ها بطور کلی در حدود ۱۰۰ تا ۱۲۰ میلی اکی والان برای ۱۰۰ گرم رس خشک است.

تشخیص بدلیت از کانیهای دیگر گروه مون مورینیت

در روشهای متداول، تشخیص بدلیت از مون مورینیت و نوئروئیت بوسیله دیفرانکتومتر اشعه X امکان پذیر نیست زیرا در دیاگرام های حالت طبیعی (خام)، حرارت دیده (پخته) و گلیسرینه پیک این دو کانی برهم منطبق است. بنابراین برای تشخیص روش زیر را بکار میبرند:

رس را با محلول کلرورلیتیوم (2N) بمدت ۹۰ دقیقه می جوشانند. محلول حاصل را برای جدا کردن کلرورلیتیوم اضافی تا حد پخش نسبی ذرات (Defloculation) سانتریفوژ می نمایند. محلول را بعد از بهم زدن کامل روی لام شیشه ای ریخته بعد از خشک کردن بمدت ۱۲ ساعت در اتو (۳۰۰ درجه سانتیگراد) قرار میدهند. روی لامهای حرارت دیده (پخته شده) گلیسرین اضافه کرده بعد از ۴۸ ساعت با دیفرانکتومتر اشعه X مطالعه می نمایند. در این روش انعکاس اشعه (پیک) OOI مون مورینیت در ۹/۵-۱۰-۹ انگسترم و OO2 در ۴/۸-۴ انگسترم قرار می گیرد.

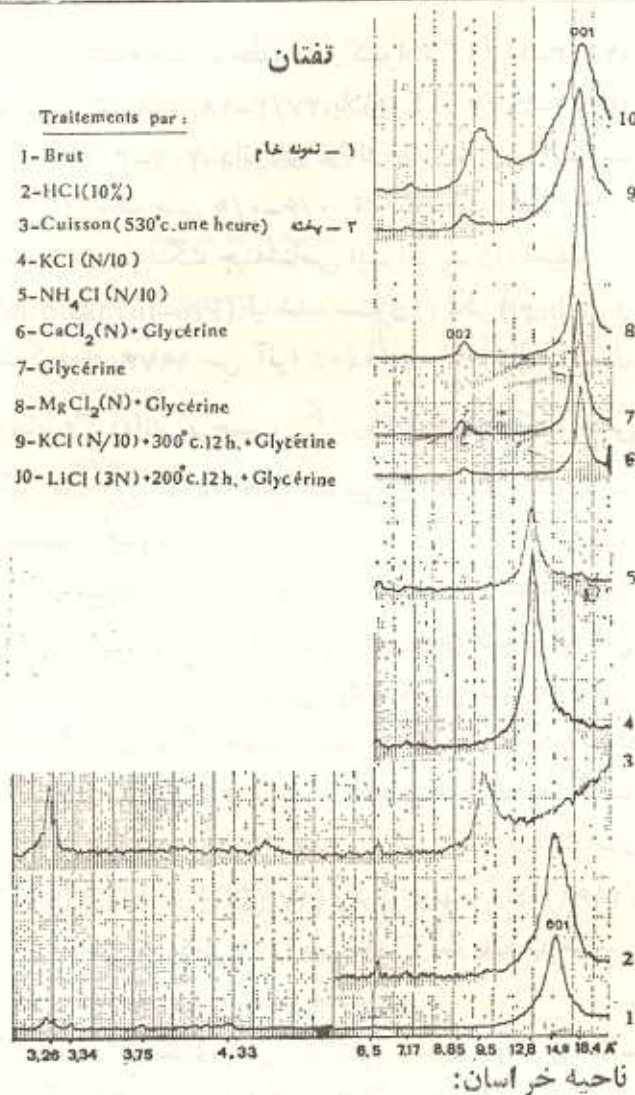
در صورتیکه بدلیت تا ۱۷ یا ۱۸ انگسترم متورم می شود. (۴) و (۵).

اثر کلرورپتاسیم (KCl) موجب کاهش سطح (OOI) بدلیت از ۱۴ انگسترم به ۱۲ انگسترم می شود.

ناحیه تفتان (بلوچستان)

نمونه برداری از ده ناصر آباد، تمندان، ده گوشه و دشت واقع در جنوب و غرب تفتان صورت گرفته است. از نظر اقلیمی منطقه نسبتاً خشک و در حدود ۱۵۰ میلیمتر

* بر حسب نوشته گانسر ۴۱۰۰ متر - نقشه ایران ۱۹۶۶ چاپ مسکو ۴۰۴۲ متر - نقشه های سازمان جغرافیای ارتش ۴۰۲۲ متر و ۳۹۴۰ متر



نمونه برداری از دهکده تقی آباد (شاه تقی)، دیزباد سفلی و آبرفت‌های بستر رود سیاه کال واقع در ۶۵ و ۹۰ کیلومتری مشهد از نیشابور صورت گرفته است.

آماره‌های شناسی ایستگاه‌های نیشابور و فریمان حاکی از اطلاعات زیر است: مقدار بارندگی سالیانه حدود ۲۲۰ میلیمتر، بازمانده‌های سرد و طولانی که نزدیک به چهارماه آن یخبندان است. تابستان نسبتاً گرم، حداکثر مطلق به ۴۰ درجه سانتیگراد می‌رسد.

از نظر زمین‌شناسی مناطق نمونه برداری شده از آرنه‌های گرافیتی مشهد و خرده‌سنگ‌های دگرگونی (بمقدار زیاد) تشکیل شده است.

گرانیت مشهد در ناحیه جنوب شرق (سنگ بست)

مقداری از رسها در زمان فعالیت آتشفشان تشکیل شده باشند که در اینصورت همه رسهای منطقه ثو فورمه (Neoformées) نخواهند بود.

دیاگرامهای دیفرانکومتر اشعه ایکس نشان می‌دهد که کانیهای رسی خوب تبلور حاصل کرده‌اند. آزمایشهای انجام شده روی گرد (پودر) و روی لامها وسیله محلولهای KCl و $MgCl_2$ و $CaCl_2$ چه بصورت خام و چه بصورت پخته شده (در ۳۰۰ درجه حرارت) و اثر گلیسرین بر همه آنها نتایج قاطع و خوبی در اثبات وجود اسمکتیک داده است.

نسبت درصد اسمکتیکها در کل رسوب به ۹۵ درصد میرسد. مقدار کائولینیت بسیار کم است. برقراری نسبت فوق از کمبود عمل شستشو برای سیلیس و باقی ماندن آن در محیط حکایت می‌کند (نسبت SiO_2 به Al_2O_3 بیشتر از ۲ می‌باشد). در دیاگرامهای اشعه X وجود پیک ۱/۴۹ انگسترم مؤید حضور اسمکتیکهای دی اکتا دریک در محیط است از طرف دیگر اثر محلول کلرور لیتیوم (3N) بر رسها (ذرات کمتر از ۲ میکرون) و سپس اثر حرارت (۲۰۰ درجه) بر روی لامهای تهیه شده (Plaques orientées) بمدت ۱۲ ساعت و بالاخره اضافه کردن گلیسرین به لامهای حرارت دیده نشان میدهد که اسمکتیکها از نوع بدلیت هستند (شکل ۲). (12) از اختصاصات بارز بدلیت‌های این ناحیه مقاومت

آنها در برابر اسید کلریدریک ۱۰٪ است (پیک 001 در ۱۴/۴ انگسترم باقی می‌ماند) در صورتیکه در مناطق دیگر از بین رفته است.

تجزیه شیمیائی با فلوتورسانس X نتایج زیر را میدهد (۱۳).

SiO ₂	53.09	K ₂ O	2.52
Al ₂ O ₃	17.19	TiO ₂	0.11
MgO	1.17	H ₂ O	5.96
Fe ₂ O ₃	5.92		
CaO	11.48	Total	99.89
Na ₂ O	2.45		

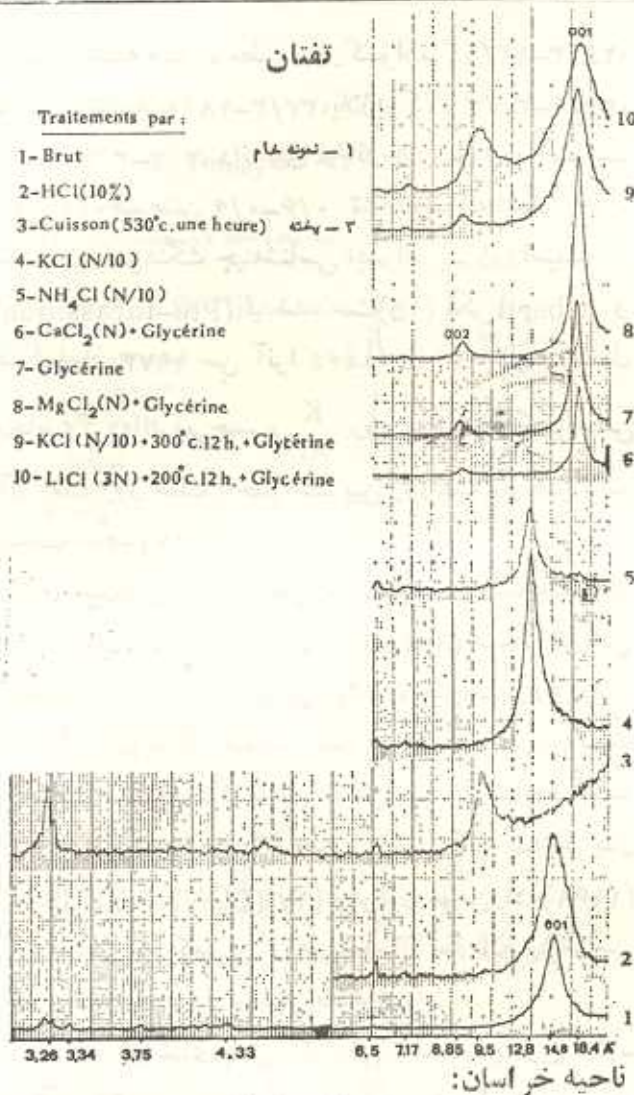
تفتان

Traitements par :

- 1- Brut
2- HCl (10%)
3- Cuisson (530°C, une heure)
4- KCl (N/10)
5- NH₄Cl (N/10)
6- CaCl₂ (N) + Glycérine
7- Glycérine
8- MgCl₂ (N) + Glycérine
9- KCl (N/10) + 300°C. 12 h. + Glycérine
10- LiCl (3N) + 200°C. 12 h. + Glycérine

۱ - نمونه خام

۳ - پخته



ناحیه خراسان:

نمونه برداری از دهکده تقی آباد (شاه تقی)، دیزباد سفلی و آبرفت‌های بستر رودسیاه کال واقع در ۶۵ و ۹۰ کیلومتری مشهد از نیشابور صورت گرفته است.

آماره‌های شناسایی ایستگاه‌های نیشابور و فریمان حاکی از اطلاعات زیر است: مقدار بارندگی سالیانه حدود ۲۲۰ میلیمتر با زمستان‌های سرد و طولانی که نزدیک به چهارماه آن یخبندان است. تابستان نسبتاً گرم، حداکثر مطلق به ۴۰ درجه سانتیگراد می‌رسد.

از نظر زمین‌شناسی مناطق نمونه برداری شده از آن‌های گرانیتی مشهد و خرده سنگ‌های دگرگونی (بمقدار زیاد) تشکیل شده است.

گرانیت مشهد در ناحیه جنوب شرق (سنگ بست)

مقداری از رسها در زمان فعالیت آتشفشان تشکیل شده باشند که در اینصورت همه رسهای منطقه ثوفورمه (Neoform-es) نخواهند بود.

دیباگرامهای دیفراکتومتر اشعه ایکس نشان می‌دهد که کانیهای رسی خوب تبلور حاصل کرده اند. آزمایشهای انجام شده روی گرد (بودر) و روی لامها وسیله محارلهای KCl و $MgCl_2$ و $CaCl_2$ چه بصورت خام و چه بصورت پخته شده (در ۳۰۰ درجه حرارت) و اثر گلیسرین بر همه آنها نتایج قاطع و خوبی در اثبات وجود اسمکتیک داده است.

نسبت درصد اسمکتیکها در کل رسرب به ۹۵ درصد میرسد. مقدار کائولینیت بسیار کم است. برقراری نسبت فوق از کمبود عمل شستشو برای سیلیس و باقی ماندن آن در محیط حکایت می‌کند (نسبت SiO_2 به Al_2O_3 بیشتر از ۲ می‌باشد). در دیباگرامهای اشعه X وجود پیک ۱/۴۹ انگسترم مؤید حضور اسمکتیکهای دی اکتا دریک در محیط است از طرف دیگر اثر محلول کلرور لیتیوم (3N) بر رسها (ذرات کمتر از ۲ میکرون) و سپس اثر حرارت (۲۰۰ درجه بر روی لامهای تهیه شده (Plaques orientees) بمدت ۱۲ ساعت و بالاخره اضافه کردن گلیسرین به لامهای حرارت دیده نشان میدهد که اسمکتیکها از نوع بدلیت هستند (شکل ۲). (12) از اختصاصات بارز بدلیت‌های این ناحیه مقاومت آنها در برابر اسید کلریدریک ۱۰٪ است (پیک 001 در ۱۴/۴ انگسترم باقی می‌ماند) در صورتیکه در مناطق دیگر از بین رفته است.

تجزیه شیمیائی با فلوتورسانس X نتایج زیر را میدهد (۱۳).

SiO ₂	53.09	K ₂ O	2.52
Al ₂ O ₃	17.19	TiO ₂	0.11
MgO	1.17	H ₂ O	5.96
Fe ₂ O ₃	5.92		
CaO	11.48	Total	99.89
Na ₂ O	2.45		

نتیجه تجزیه شیمیائی بشرح زیر است:

SiO ₂	59.30	Na ₂ O	0.65
Al ₂ O ₃	19.70	K ₂ O	2.35
Fe ₂ O ₃	11.20	TiO ₂	1.19
MnO	0.06	P ₂ O ₅	0.55
FeO	0.06	H ₂ O ⁺	0.80
MgO	3.10	H ₂ O ⁻	0.13
CaO	0.97	Total	100.14

لازم به تذکر است در سال ۱۳۵۵ یکی از شش ساختمانی وابسته به شرکت ساپن زراعی وزارت که در منطقه دیزباد پائین بنا استفاده از وجود (مون-موریونیت و بدلیت) به تهیه خشت‌های خام (اسفالتی) مبادرت نموده است. از خشت‌های مذکور چند دستگاه ساختمانی مسکونی یک طبقه ساخته شده نظر استحکام، ایزولاسیون و هزینه کم، قابل توجه است. نواحی کردکوی و گلوگاه (گرتان و مازندر کردکوی و گلوگاه در شرق و غرب بندر هستند.

از نظر آب و هواشناسی در ظرف ۱۵ سال گذشته مقدار بارندگی سالانه بیش از ۷۰۰ میلیمتر، نم ۵۰ و ۹۷ درصد، درجه حرارت سالانه ۱۳/۲ حداکثر مطلق ۳۶/۵ و حداقل مطلق ۴- درجه سانتیگراد و تعداد روزهای یخبندان ۱۱ روز در سال که یکبار در سال بوده است.

زمین‌شناسی: مناطقی مورد مطالعه از مواد کوه‌های البرز شرقی که در ساحل دریای خزر رسوب کرده‌اند تشکیل یافته است. منشاء اولیه این آهک‌های اکسفوردین به شهر و شیست‌های دگرگونی می‌باشد. لکن به علت شدت آلتراسیون در دشت سنگ‌های مادر اثری دیده نمی‌شود به نحوی که (۵۰٪ رسوب) به ۱۰ میکرون محدود می‌گردد.

مجاور منطقه مورد مطالعه، از کوارتز ۱۹/۹-۲۵/۳، فلدسپات پتاسیک ۲۸/۴-۳۷/۳، پلاژیوکلاز ۳۰/۳-۳۳/۱، بیوتیت ۳/۶-۴/۳، دانه‌های اوپاک ۰/۵-۰/۷، آپاتیت صفر-۰/۱، هیرستن ۰/۹-۰/۶ تشکیل یافته است (۱۴). سن آن در فرجنگ چینه‌شناسی ایران پرژوراسیک (Pre-Jurassique) قید شده است (۱۵) لکن Alberti و همکاران ۱۹۷۳ سن آنرا ۱۴۵±۳۰ و ۱۴۶±۳۰ میلیون سال محاسبه کرده‌اند (بر حسب $\frac{K}{Ar}$ روی بیوتیت‌ها) که بر اساس آن زمان ژوراسیک یا حدوداً بین ژوراسیک و کرس تاسه بدست می‌آید (۱۶).

سنگ‌های دگرگونی حرارت پائین از دو دسته شیست‌های پلیتی و شیست‌های آردوازه (ardoisiers) متشکل اند. این سنگ‌های سیاه و خاکستری تیره به شدت چین خورده و در بین آنها لایه‌های نازک و ضخیم ماسه سنگ قرار دارند. یک قسمت از سنگ‌های دگرگونی مذکور بنام سازند رباط کلمبه (Robat - i - Glombe) معروف است که به نظر بنار (BONNARD 1944) (۱۷) و هولزروم و من زاده (۱۹۶۹) (۱۸) متعلق به پرکامبرین و زمین‌شناسان سازمان زمین‌شناسی کشور متعلق به پرژوراسیک می‌باشد (۱۵).

در شیست‌های پلیتی کوارتز، آلپیت، پلاژیوکلاز-موسکویت، بیوتیت، کلریت و گاهی گرونا دیده می‌شود و در شیست‌های آردوازه، کوارتز، آلپیت، کلریت، سیریسیت و خمیره‌ای از رس با مقداری کربنات وجود دارد. رسوبات آبرفتی حاوی مجموعه‌ای از مواد فوق‌الذکر است که مسلماً در طول زمان و در اثر آب و هوای گذشته منطقه بتدریج تجزیه شده کانی‌های مختلف رسی را بوجود آورده است (۱۹) و (۲۰) زیرا شرایط اقلیمی امروز توانائی انجام این کار را ندارد.

کانیهای رسی شامل ایلیت-میکا، کائولینیت، کلریت مون موریونیت و بدلیت می‌باشد. مقدار بدلیت اگرچه مانند تفان زیاد نیست لکن از نقطه نظر تشکیل و بدلیل قدیمی بودن (Heritee) قابل توجه می‌باشد.

کربنات رسوبات از ۱۱ درصد تجاوز نمی نماید (۲۱).

وجود عوامل آلتراسیون مانند رطوبت زیاد، درجه

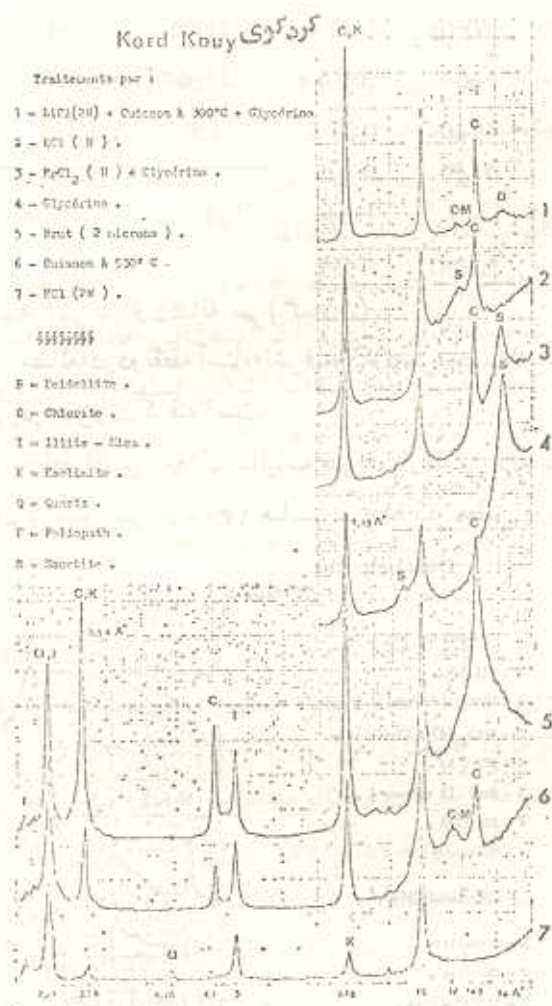
حرارت معتدل، پوشش گیاهی، املاح:

NaCl ، Na_2SO_4 ، H_2NaCO_3 pH بیش از ۸ که هر کدام به تنهایی در امر تجزیه شیمیائی موثرند شدت عمل تجزیه را بالا برده است.

شسته های دیگر گونی گرگان بضخامت بیش از ۲۰۰ متر از قبلیتها، سرسپیت-کلریت، شپست و کوارتزیت و در قسمتهای زیرین از برخی سنگهای اوفیولیتی تشکیل یافته اند.

مطالعه نمونه های پای ارتفاعات نشان میدهد که کائولینیت و اسمکتیت در آنها تشکیل نشده است و کلریت و ایلیت- میکا به نسبت ۱۵ و ۸۵ درصد در محیط وجود دارند (۲۱). در دیباگرامهای دیفراکتومتر اشعه X پیک سطح (۰۰۲) کلریت قوی تر (بلندتر) از سطوح دیگر است. این پیک و پیکهای سطوح دیگر بجز (۰۰۱) در اثر حرارت ۵۳۰ درجه ضعیف (کوتاهتر) میگردند (شکل ۳ و ۴) در حالیکه پیک سطح (۰۰۱) قوی می شود. این پدیده ها نشان میدهد که کلریت منطقه از نوع کلریت آهن دار است که در اصطلاح باوالیت (Bavalite) گفته می شود (۱). این کلریت در اثر شرایط اقلیمی و عوامل فوق الذکر تحولات جالبی را پشت سر میگذارد که از نظر علمی حایز کمال اهمیت است. آقای میلور در صفحه ۳۶۲ کتاب زمین شناسی رسها (۲) شمای تجزیه میکاها را چنین می نویسد.

مونوریونیت → ورمیکولیت → کانیهای حد واسط → میکا
این تحولات طبیعی را بطور عینی از شرق به غرب منطقه بخوبی ملاحظه می نمائیم. در اثر آلتراسیون، کلریت های مقاوم به حرارت و اسید و الکلها (گلیسرین) ابتدایه کلریت های رسوبی و حساس به الکلها (متورم شونده - Gonflante) تبدیل می شوند و سپس تجزیه آنها باعث افزایش مقدار ایلیت - میکا و کانیهای حد واسط می گردد. کانی های اخیر نیز بنوبه خود تجزیه شده کانیهای رسی دیگر مانند مون



موریونیت و بدلیت را بوجود می آورند (۲۱). بنابراین بدلیت در این مناطق منحصراً از تجزیه میکاها بوجود می آید. مکانیسم این تغییر و تبدیل بطور مفصل توسط محققین توضیح داده شده است (۲۲) و (۲۳) و (۲۴) و (۲۵).

هر اندازه از جنوب به شمال این مناطق پیش میرویم، بموازات شستشوی بیشتر رسوبات، از مقدار بدلیت کاسته می شود و یاد حقیقت از تشکیل بدلیت جلوگیری می شود. اشکال ۳ و ۴ تغییرات کمی بدلیت را نشان میدهند. تجزیه شیمیائی آبرفت های کردکوی بقرار زیر است (۲۱).

حرارت ۳۶، حداقل مطلق ۴-، معدل سالیانه
سانتیگراد و تعداد روزهای یخبندان ۵ روز در
است.

زمین شناسی: دشت گیلان از نظر ژئومورفولوژی
رسوب شناسی شامل سه حوزه نسبتاً متفاوتی است
مرکزی آن که از لنگرود تا غرب رشت گسترش دارد از
سفیدرود، حشمت رود، شمرود و چندرود کوچک
پوشیده شده است. آبرفتها در آغاز عهد حاضر
امامزاده هاشم به دریای خزر میریخته است. این موج
امواج دریا در طول ساحل و مصب پخش شده دلتای
را بوجود آورده بود.

همزمان با بالا آمدن البرز و نقاط مجاور دریای
توسعه دلتاهای مذکور همچنین پایین رفتن سطح دریای
(پسروی آب دریا)، دشت چهار گوش وسیعی
می آید که رسوبات متنوع آن از سرزمین های آذربای
کردستان، زنجان، همدان و البرز غربی به این منط
شده اند. حوضه آبرسانی آن از ۶۰۰۰۰ کیلومتر
تجاوز میکند (۲۶).

این ناحیه از دشت گیلان از رسوبات دانه ریز
تشکیل یافته است. بستر سفیدرود از این قاعده مستثنی
دارای قلوه سنگهای درشت و کوچک می باشد. لکن
دیواره های آن محیط های مختلف رسوب گذاری (مر
مصب، ساحل...) را معرفی میکند.

در آستانه و دهانه سر بدلیل وجود دیواره های
بلند رودخانه به تهیه چند سری نمونه بادررت گردید.
بررسی مبین اینست که علاوه بر کائولینیت، کلریت و
میکا، بمقدار قابل توجهی بدلیت در رسوبات وجود
دارد. شرکت تیدروکسید آهن در رسوب موجب پهن شدن
پیک ها مخصوصاً پایه پیک ایلیت- میکا گردیده است
که پیک سطح (۰۰۲) بدلیت بخوبی مشخص نیست
های شماره ۲ و ۳ و ۴ (شکل ۵ و ۶).

بدلیت سری دهانه سر در اثر اسید کلریدر پیک

SiO ₂	49.20	K ₂ O	3.61
Al ₂ O ₃	22.40	TiO ₂	1.35
Fe ₂ O ₃	10.24	P ₂ O ₅	1.04
FeO	3.94	H ₂ O ⁺	0.55
MnO	0.11	H ₂ O ⁻	0.10
MgO	5.53		
CaO	1.65	Total	100.37
Na ₂ O	0.65		

آستانه اشرفیه و دهانه سر (گیلان)

مطالعه در دو نقطه آستانه اشرفیه و دهانه سر (مصوب قدیمی
سفیدرود) صورت گرفته است.

از نظر اقلیمی معدل سالیانه میزان بارندگی در مدت
۱۵ سال گذشته بیش از ۱۳۰۰ میلیمتر - حداکثر مطلق درجه

Dahanch Sar

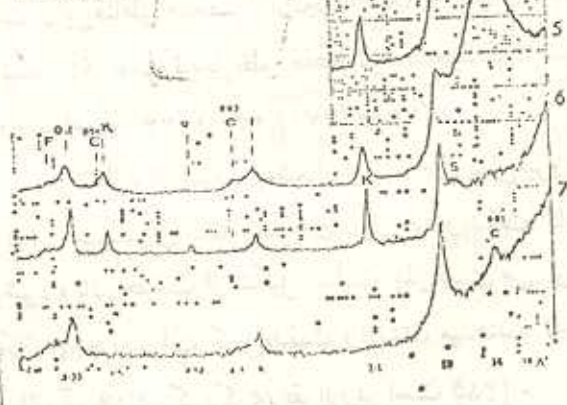
دهانه سر

Traitement par :

- 1 - Glycoline .
- 2 - LiCl (20) + Cuisson à 200°C + Glycoline .
- 3 - KCl (N) + Glycoline .
- 4 - KCl (2) .
- 5 - Brut (2 microns) .
- 6 - KCl (20) .
- 7 - Cuisson à 550° C .

=====

- B = Beidellite .
C = Chlorite .
T = Illite - Mica .
K = Kaolinite .
Q = Quartz .
F = Feldspath .
S = Saponite .



جایبجانی شود (از ۱۴ به ۱۲ آنکستروم) بلکه مقداری از آن در همان ۱۴ آنکستروم باقی می ماند.

بطوریکه قبلاً یادآوری شد دقیقاً معلوم نیست که چه مقدار از رسها از نقاط دیگر وارد گیلان شده است ولی با مقایسه دیاگرامهای آستانه و دهانه سراین امر مسلم میشود که مقدار قابل ملاحظه ای از رسها در منطقه تشکیل شده است. زیرا از جنوب به شمال از مقدار ایلیت - میکا کاسته شده به مقدار اسمکتیت (بدلیت) افزوده شده است. از طرف دیگر وجود شرایط اقلیمی مساعد، وجود مواد آلی فراوان و فعالیت پوشش گیاهی امکان آلتراسیون مواد را بالا میبرد (۲۷). این امکانات در نقاطی که آبرفتها از آنجا وارد گیلان میشود وجود ندارد.

با در نظر گرفتن اینکه وقتی محیط برای تمام کاتیونهای محیط شستشوست بیوتیت به کائولینیت تبدیل میگردد و زمانی که محیط برای کاتیونهای یک و دو ظرفیتی محل شستشو می باشد و هنوز سیلیس در محیط باقی می ماند گروه مونوریونیت حاصل میشود. میتوان پذیرفت که در گیلان بدلیل وجود شرایط مساعد این تغییر و تبدیلهای عملی است. در ضمن امکان دارد که اسمکتیت نئوفورمه بوده مستقیماً از تیدرولیز فلدسپاتها حاصل شده است (۱۹).

ترکیب شیمیائی آبرفتهای آستانه بقرار زیر میباشد (۲۱):

SiO ₂	59.00	Na ₂ O	0.56
Al ₂ O ₃	19.10	K ₂ O	3.20
Fe ₂ O ₃	10.81	TiO ₂	0.20
FeO	0.08	P ₂ O ₅	0.62
MnO	0.08	H ₂ O ⁺	0.80
MgO	4.38	H ₂ O ⁻	0.10
CaO	1.67	Total	100.60

بدلیت آذرشهر

منطقه نمونه برداری در جنوب آذرشهر و غرب توش کوه واقع است.

از نظر اقلیمی منطقه آذرشهر از رطوبت دریاچه ارومیه

برخوردار بوده و مقدار بارندگی در آن خطه در حدود ۳۰۰ میلیمتر در سال است. روزهای یخبندان در ده سال ۴۷-۵۷- (معدل) ۹۵ روز در سال بوده است. تابستانهای نسبتاً مرطوب و گرم و بایام نسبی ۴۰ درصد و حداکثر مطلق ۳۹ درجه سانتیگراد از مشخصات دیگر آن شهر است.

از نظر زمین شناسی منطقه مورد مطالعه از رسوبات ولکانوسدیمانتره دستگاه آتشفشان غرب منطقه مانند قزل داغ (۲۳۰۳ متر)، هفت چشمه (۲۶۰۳) و توش کوه (۱۹۴۴ متر) پوشیده شده است. این مراکز آتشفشانی جدا از آتشفشانهای سهند بوده و از آندزیتها تشکیل یافته اند. رسوبات و لکانوسدیمانتراین ناحیه دارای سینریت (Cinerite) و آگلومرا بوده و فاقد پونس میباشد.

آلتراسیون شدید مواد آتشفشانی و تشکیل رس در رسوبات تخریبی مارا بر آن داشت که در مورد ژنر رسها بررسی بیشتری بعمل آوریم زیرا در تشکیلات ولکانوسدیمانتر شمال سهند (سینریت، ایگنمبریت، دیاتومیت، لاپیلی و آگلومرا) کانیهای رسی وجود ندارد. نتیجه بررسی نشان میدهد که رسوبات ولکانوسدیمانتر شمال سهند بخصوص ناحیه خلعت پوشان در آبهای شیرین زمان میوسن - پلیوسن گذاشته شده (۲۸) و (۲۹) و شرایط تشکیل رسها فراهم نبوده است در صورتیکه رسوبات منطقه مورد بحث در پلیستوسن و در آبهای شور دریاچه ارومیه و یا در محیط نمکدار تشکیل شده است.

رسهای منطقه عبارتند از: بدلیت (۹۰٪)، ایلیت و میکا (۶٪)، کائولینیت (۳٪) و کلریت (۱٪) که در برابر حرارت تجزیه می شود.

آلتراسیون شیمیائی سیلیکاتها بخصوص فلدسپاتها و کانیهای فرومانیزین در محیط دارای NaCl و Na₂CO₃ از مدتها پیش مورد توجه بوده است (۳۰) و (۳۱). نقش الکترولیتی Na₂CO₃ در بالا بردن pH محیط تا حد ۱۱ و NaCl در مساعد کردن شرایط تشکیل مونوریونیتها به تجربه رسیده است (۲). او برلن - چوبار (۳) ضمن تهیه

2	57.63	Na ₂ O	2.76
203	19.25	K ₂ O	2.45
203	5.43	TiO ₂	0.06
0	1.16	P ₂ O ₅	0.45
no	0.06	H ₂ O ⁺	2.92
go	2.25	H ₂ O ⁺	0.97
ao	4.45	Total	99.86

نتیجه

تجزیه فلدسپاتها، میکاها و کانیهای فرومنیز فومولها، سرفالتارها، رطوبت، درجه حرارت محلول، pH و یونهای قابل تبادل بطور مستقیم یا یک سری فعل و انفعال بدلیت را بوجود می آورند. این تحولات برخی بصورت تئوری اعلام شده است ایران آب بصورت طبیعی و عملی ملاحظه می نمائیم

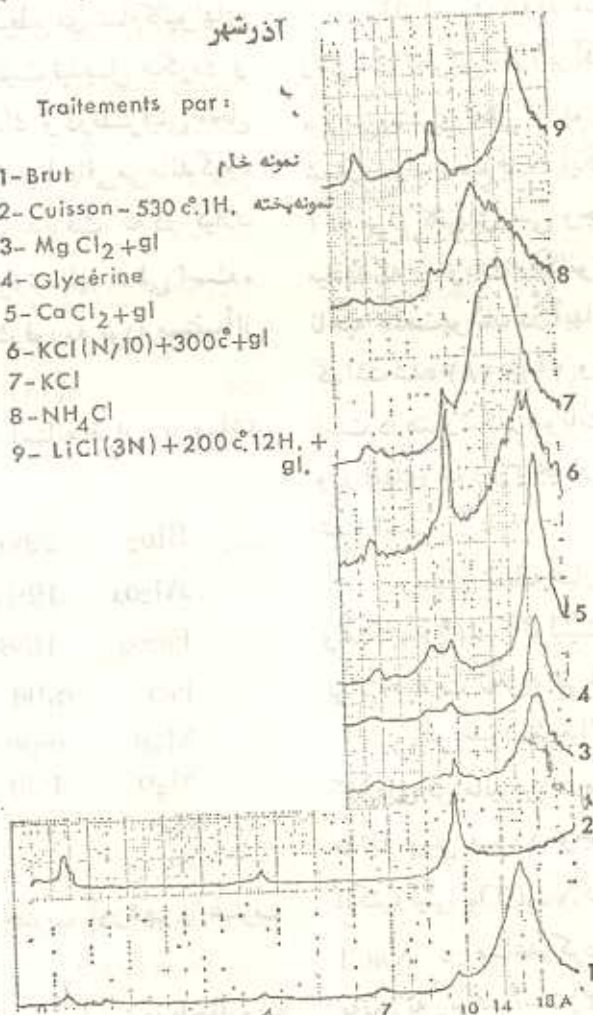
بدلیت از آلیت متوجه شده اند که اگر به محلول تجزیه کننده پودر آلیت، محلول ۱/۸ گرم در لیتر کلرور سدیم را اضافه نمایند بدلیت بدست آمده کاملاً متبلور است. آنان نتیجه گرفته اند که فعالیت یون Cl^- باعث تشکیل بدلیت می شود نه یون Na^+ . زیرا ترکیبات دیگر سدیم دار مانند NaCO_3H این پدیده را بوجود نمی آورند.

بنا بر آنچه گذشت بدلیت در نتیجه تجزیه شیمیائی همزمان کانیهای فرومانیزین و فلدسپاتها حاصل شده است و وجود مقدار ناچیز کاتولینیت مختصراً کلسریت کم مقاوم بحرارت دلیل سیر این تحولات بوده است. قریب شیمیائی رسهای منطقه بقرار زیر است:

آذرشهر

Traitements par :

- 1- Brut نمونه خام
- 2- Cuisson - 530 °C. 1H. نمونه پخته
- 3- Mg Cl₂ + gl
- 4- Glycérine
- 5- Ca Cl₂ + gl
- 6- KCl (N₇10) + 300 °C + gl
- 7- KCl
- 8- NH₄Cl
- 9- LiCl (3N) + 200 °C. 12H. + gl.



- 1 - CATHERINE S. et HENRI S. 1963
Minéralogie des argiles. Masson 1963 355 p.
- 2 - MILLOT G. 1964, 1986
Géologie des argiles. MASSON & Co 499 p.
- 3 - GIBLIN A. et TCHOUHAR G. 1967
Etude au microscope et diffraction électronique des réactions d'équilibre illite - beidellite - kaolinite, à 200 °C. G.R.Acad.Sc. Paris, T.265 - pp 1021- 1034.
- 4 - BROWN G. 1961
The X-Ray identification and crystal structures of clay minerals. Mineralogical Society, London - 544p. (p.190).
- 5 - SCHULTZ Leonard G. 1969
Lithium and Potassium absorption, dehydroxylation temperature, and structural water content of Aluminum smectite. Clay and clay minerals. Vol. 17. pp.117- 149.
- 6 - GANSSER Augusto 1971
Bologno Helv., Vol. 64, 2, p. 324.
۷ - سیدمیان - شکرپور، فروتنی - دکتر محمد حسین و فانی - مهندس هاشم
مطالعه زمین شناسی فشان، و تعیین ریزه دانگام علوم دانشگاه تهران جلد ۲
شماره ۳
۸ - معین وزیری - دکتر حسین و امین سبحانی - دکتر ابراهیم
آنتیفاتان فشان انتقارات دانشگاه تربیت معلم
- 9 - MILLER W. and KELLER W.D. 1963
Differentiation between endellite - halloysite and kaolinite by treatment with potassium and ethylene glycol. Clay and Clay minerals p. 251 - 253.
- 10 - SAIRAN G., MILLOT G. et BONIFAS H. 1955
Sur l'origine des gisements de Bentonites Zellia Maghnia. Bul.Serv. Carte Algerie Trav. Coll., 5, p.224- 234.
- 11 - BROUSSE H. et THONON P. 1968
Argiles d'origine Fumerolienne dans les formations volcaniques. Bull.Gr.Fr.Arg.Tome 19- Fasc.2, p.68.
- 12 - SCHULTZ Leonard G. 1969
Clay and clay minerals. Vol.17, p.132.
- 13 - AMINE SOHANI E. et MOINE VAZIRI H. 1980
Beidellites dérivant des roches éoliques du Taftan (IRAN) Cahiers géologiques. No. 96, p. 346.
- 14 - ALBERTI S. and MOAZZ S. 1974
Plutonic and metamorphic rocks of the Mashhad Area. Bull.Soc.Geol.Ital. P.1163
- 15 - STOCKLIN J. and SEPUDSINIA A. 1977 p.376
Stratigraphic Lexicon of IRAN - Geological Survey of IRAN
- 16 - ALBERTI A. NICOLLETTI M. and PETRUCCIOLI G. 1973
K/Ar ages of micas of Mashhad granite (Khorasan, north-east Iran) Period.Mineral. 43 p. 142- 165
- 17 - BONARD K.G. 1944
Contribution à la connaissance géologique du nord-est de l'IRAN (Environ du Mehed). Bologno geol.Helv., 37, pp.331-54
- 18 - HOLZER H. and MOMENZADEH M. 1969
Report on reconnaissance of granite margins in the Mashhad area. Unpublished report. Geol. Survey of IRAN.
- 19 - TARDY, Y. 1969
Géochimie des alterations - Etude des arènes et des eaux de quelques massifs cristallins d'Europe et d'Afrique. Serv.Car. Géol.Als.Lor. No 31- pp.63-74 et 124 - 125
- 20 - Collier D. 1951
Sur l'altération du granite à gros grains en Auvergne. G.R.Acad. Sci.Fr. T. 233, 1, 96
- 21 - AMINE SOHANI E. 1972
Contribution à l'étude sédimentologique et géochimique des plaines sud de la mer Caspienne. Thèse d'Etat.
- 22 - FOSTER, K.D. 1954
The relation between illite, beidellite and montmorillonite. Clays and clay minerals. (2nd Nat.Conf., 1953), pp.386-397.
- 23 - LUCAS J. 1962
La transformation des minéraux argileux dans la sédimentation. Etude sur les argiles du Trias. Mém.Serv. Cart.Géol.Als.Lorr. 202 p.
- 24 - MASON B. and MOORE C.B. 1962
Principles of geochemistry. pp.156 - 158.
- 25 - DUNOYER de SEGONZAC G. 1969
Les minéraux argileux dans la diagenèse. Passage au métamorphisme. Thèse d'Etat. Strasbourg, 339 P.
- 26 - TUCKER M.B. 1982
Sedimentary petrology - An Introduction. pp.83, 85, 95, 226.
- 27 - TARDY Y., LAURET H. et MILLOT G. 1970
Trois modes de genèses des montmorillonites dans les alterations et les sols. Bull.Gr.Fr.Argiles. T.22, pp.69 - 77.
- 28 - ALEXANDER E.B. 1965
Rates of Soil formation from bedrock or consolidated sediments. Physical geography. 6, 25 - 42.
- 29 - ALEXANDER E.B. 1967
Rates of soil formation implications for soil loess tolerance. Soil Science, 37 - 45 pp.
- 30 - AMINE SOHANI E. 1971
Etude géomorphologique du delta du Séfid - Roud. Thèse de 3ème cycle. Paris.
- 31 - KELLER W.D. 1968
Flint clay and Flint-clay facies. Clays and clay minerals. (16 th.Nat.Conf.1967) 2,p.113 - 128.
۳۲ - امین سبحانی - دکتر ابراهیم و معین وزیری - دکتر حسین
بررسی تدککلات و کانود پمانتر سهند از نظر ریزه شناسی و ژئومورفیک - دوسین
سمپوزیم زمین شناسی ایران - تقریر انجمن نفت ایران صفحات ۷۲ - ۷۱
۳۳ - معین وزیری - دکتر حسین و امین سبحانی - دکتر ابراهیم
سهند از نظر و کانود ریزی و و کانود پمانتر ریزی
انتقارات دانشگاه تربیت معلم ۵۵ صفحه + یک نقشه یک حد هزارم
- 32 - BIROT P. 1954
Désagrégation des roches cristallines sous l'action sels. C.R.Acad.Sci.Fr.T.238, P.1145
- 33 - HENRI S. et NOBICHET O. 1955
Résultats obtenus au cours de nouveaux essais de synthèse de minéraux argileux. Bull.Gr.Fr.Argiles. 6, pp.19 - 22.